ادامه سرمقاله

پزشکیان به همین دلیل مورد هجوم تندروها قرار گرفته و به شکل کودکانه‌ای می‌خواهند این تصور را القا کنند که رخدادهای ۸۸ می‌تواند تکرار شود، غافل از اینکه همه می‌دانند چنین رفتارهایی در مناظره‌ها آقای پزشکیان را عصبانی نمی‌کند تا رفتار واکنشی نامعقول کند و مردم هم با این بازی‌ها آشنا هستند. نگاه‌های فقیه اندر سفیه آقای پزشکیان برای پاسخ کفایت می‌کند.

در حقیقت، تندروها فقط یک هدف دارند، آن هم زدن و نقد پزشکیان نیست؛ چون در این کار شکست می‌خورند. هدف آنان کاهش مشارکت و به بن‌بست رساندن سیاست در کشور و سپس سوار شدن بر خر مراد خودشان است. چون می‌دانند با ناامید کردن مردم از مشارکت، احتمال پیروزی پزشکیان را کم می‌کنند و اصولاً نان آنان در حذف مردم و به تعبیری، اراده خدا از صحنه کشور و سیاست است. خوشبختانه و برخلاف تصویرشان، کسی در تله سیاسی و غیراخلاقی آنان نخواهد افتاد و مردم با همین دست‌فرمان پیش خواهند رفت و در هفته آینده نتیجه روشن خواهد شد؛ نتیجه‌ای که مطلوب تندروها نخواهد بود.

ادامه یادداشت سردبیر

چه جبهه دوم‌خرداد که به هر دلیل نتوانست به یک نامزد مشترک برسد و چه قبل از اینها، میرحسین موسوی که همه دعوت‌ها و فراخوان‌ها را رد کرد و چهار سال بعد پذیرفت که دیگر، کار آسان نبود و آن بحران ۱۳۸۸ حادث شد.

البته، نگاه از امروز به رخدادهای آن روز ساده است. مثلاً کسی که امروز، همگرایی و همسویی اصلاح‌طلبان، میانه‌روها و حتی طیفی از محافظه‌کاران را می‌بیند و در جریان مناسبات و فضای سیاسی آن روزها نیست، به‌راحتی می‌تواند بپرسد که چرا حامیان مصطفی معین، مهدی کروبی، هاشمی‌رفسنجانی، محسن مهرعلیزاده و حتی علی لاریجانی به توافق نرسیدند و با حدود ۲۰ میلیون رایی که داشتند، در همان دور اول (که ۲۷ خرداد ۱۳۸۴ برگزار شد) تکلیف انتخابات را روشن نکردند؛ تا کار به دور دوم بکشد و پوپولیستی چون محمود احمدی‌نژاد در لباس چهره‌ای برآمده از میان مردم محروم و حذف‌شدگان و درحاشیه‌ماندگان و البته، مخالفان خاتمی و دوم‌خرداد برخیزد و با هاشمی‌رفسنجانی بستیزد و او را نماد کلیت وضع موجود و رأس «اشرافیت ثروت و قدرت» بخواند و بی‌محابا بر او بتازد؟

اما مسئله به این سادگی‌ها نبود. آن شکاف‌ها و تعارض‌ها، نه حاصل اختلاف چند شخصیت یا گروه سیاسی، بلکه برآمده از یک تحول سترگ فکری و اجتماعی بود که به دوم‌خرداد ۱۳۷۶ بازمی‌گشت. از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، یکی از مهمترین کارکردها و پیامدهای دوم‌خرداد ۱۳۷۶ و هشت ساله دولت خاتمی، «باز-توده‌ای» کردن سیاست بود. «باز-توده‌ای» کردن، به معنای بازگشت و تاثیرگذاری بدنه اجتماعی در مناسبات قدرت بود و به‌نوعی، موقعیت و تکثر نیروهایی که در انقلاب و بازه زمانی ۱۳۵۷-۱۳۶۰ وجود داشت، در سطحی محدودتر و با رقابتی متعارف‌تر احیا شد. حال آنکه رقابت‌های انتخاباتی (به‌ویژه در سطح ریاست‌جمهوری) پس از تثبیت جریان‌های خط امامی در قدرت و حذف و انزوای رقبا و مخالفان در ابتدای دهه ۱۳۶۰، به‌نوعی به بیعت جامعه با گزینه موردتایید و توافق درونی نظام سیاسی فرو کاسته بود و سه رئیس‌جمهوری پیش از خاتمی با این الگو تعیین شده بودند. دوم‌خرداد ۱۳۷۶ اما این چرخه را برهم زد و با آنکه کسانی چون مرحوم مهدوی‌کنی از علی‌اکبر ناطق‌نوری به‌عنوان گزینه مورد نظر نظام نام بردند و همه شواهد و قرائن نیز آن را تایید می‌کرد، اما در صحنه عمل رخدادی پیش‌بینی‌ناپذیر رخ داد و سیدمحمد خاتمی که شاید تا چندماه قبل، کسی از او شناختی نداشت؛ با آرای تاریخی ۲۰ میلیونی برگزیده شد. پیروزی خاتمی، امری فراتر از شکست یک جناح یا نامزد و پیروزی دیگری بود. نماد و نشانه‌ای از تغییر روند مناسبات سیاسی درون ساختار و فراهم شدن بستر و امکان کنشگری و تاثیرگذاری جامعه و نیز نخبگان بیرون قدرت بود. دوم‌خرداد، رخدادی بود که به نیروهای اجتماعی (به‌ویژه جوانان، زنان و روشنفکران) اعتمادبه‌نفس می‌بخشید تا در حوزه سیاست فعال شوند و چارچوب‌های سخت دهه ۱۳۶۰ و نیمه اول دهه ۱۳۷۰ را بشکنند. چنین بود که جامعه، تصویری از کاهش نقش نخبگان حاکم در صحنه سیاست و فراهم شدن امکان نقش‌آفرینی خود و به میدان آوردن نخبگان خارج از ساختار و حاشیه‌نشین را دریافت می‌کرد. این اتفاق، همان «باز-توده‌ای» شدن سیاست بود که در برابر سیاست مبتنی بر «تصمیم نخبگان حاکم» در دوره ۱۶ ساله پیش از دوم‌خرداد ۱۳۷۶، معنا می‌یافت.

همین «باز-توده‌ای» شدن سیاست بود که تاثیر خود را بر تحولات پس از دوم‌خرداد نیز گذاشت و طی دوره هشت‌ساله، روزبه‌روز تقویت شد. در این میان، نسل جوان برآمده پس از دوم‌خرداد نقشی کلیدی در این پروسه ایفا می‌کرد. نه‌فقط جوانان اصلاح‌طلبی که به احزاب و رسانه‌های دوم‌خرداد می‌پیوستند و یا هوادار (سمپات) و مخاطب آنها بودند و نه‌فقط دانشجویانی که در تشکل‌های دانشجویی خواستار دموکراسی (با محوریت دفتر تحکیم وحدت) فعال بودند، در مسیر «باز-توده‌ای» کردن سیاست و شکستن حلقه نخبگان حاکم کنشگری می‌کردند؛ بلکه امواج دوم‌خرداد و پروسه سیاسی ناشی از آن، به بدنه و درون خانه محافظه‌کاران هم رسید. محمود احمدی‌نژاد و پیش از آن، ائتلاف آبادگران در انتخابات دوره دوم شوراها (۱۳۸۱) و مجلس هفتم (۱۳۸۲) خروجی و برون‌داد این پروسه در اردوگاه راست بودند. سربازانی که عزم و قصد فرماندهی داشتند و نمی‌خواستند زیر سایه راست سنتی و رهبران ریشه‌دار آن بمانند. از این سو، در اردوگاه چپ سابق و اصلاح‌طلبان جدید نیز، طبعاً نیروهایی به‌تدریج میدان‌دار شده بودند که از یک سو، در ارزش‌های ارتدوکس انقلاب تجدیدنظر کرده بودند و از چپ‌گرایی رو سوی دموکراسی‌خواهی آورده بودند و از سوی دیگر، همچنان منتقد الگوی توسعه دوران هاشمی‌رفسنجانی بودند که آن را نامتوازن و آمرانه می‌دانستند. این نیروها که از منظر تشکیلاتی، در قالب «جبهه مشارکت» و مؤتلفان و هواداران آن تعریف می‌شدند، با طی مسیر هشت‌ساله و روشن‌تر شدن شکاف‌های گفتمانی و نیز اختلافات سیاسی، به سوی نوعی استقلال‌طلبی از چپ سنتی و رهبران کهنه‌کار مجمع روحانیون مبارز و دیگر نیروهای خط امامی گرایش یافتند و طبعاً، در تداوم رویکرد انتقادی خود در قبال هاشمی‌رفسنجانی در دوران ریاست‌جمهوری‌اش و رقابت و مقابله با او در انتخابات مجلس‌ششم (۱۳۷۸) نمی‌توانستند با هاشمی و حتی حزب کارگزاران سازندگی نیز، به همگرایی مبنایی و پایدار برسند. از آن سو، در مواجهه با این نیروی نوپدید که ارزش‌هایی جدید و فراتر از گفتمان قدیمی خط امام را نمایندگی می‌کرد، جریان‌های سنتی‌تر جناح چپ به‌نوعی مقاومت هراس‌زده از شتاب تغییرات ارزشی و ساختاری در اردوگاه دوم‌خرداد دست زدند که خروجی آن، نامزدی کروبی در برابر معین (نامزد جبهه مشارکت، مجاهدین انقلاب و نهضت آزادی) در انتخابات ۱۳۸۴ بود که با حمایت روحانیون خط امامی شاخصی همچون علی‌اکبر محتشمی‌پور، سیدهادی خامنه‌ای و رسول منتجب‌نیا نیز همراه شد. چنین بود که در اردوگاه دوم‌خرداد، سه‌قطبی میان چپ سنتی (با نامزدی مهدی کروبی)، جریان میانه (با نامزدی هاشمی‌رفسنجانی) و چپ مدرن و اپوزیسیون مذهبی (با نامزدی مصطفی معین) شکل گرفت. در کنار این سه قطب، البته طیفی دیگر از حامیان سابق و نیروهای اجتماعی مؤثر در دوم‌خرداد نیز بودند که از اوایل دهه ۱۳۸۰ از اردوگاه اصلاح‌طلبی و استفاده از ابزار صندوق رای دل بریده بودند و پرچم «عبور از خاتمی» را در نفی دیگر نیروها که «اصلاح‌طلب حکومتی» می‌خواندند، برافراشته بودند. انجمن‌های دانشجویی ذیل دفتر تحکیم وحدت و تعدادی از روشنفکران و فعالان سیاسی پرمخاطب که از نظریه‌پردازان اصلاح‌طلبی بودند، در این طیف می‌گنجیدند که در واقع، «نیروی چهارم» اما پنهان و بی‌نامزد درون اردوگاه اصلاحات را شکل می‌داد. چنین بود که اردوگاه متحد دوم‌خرداد ۱۳۷۶ در ۲۷ خرداد ۱۳۸۴ به چهار پاره و چهار نیرو تبدیل شد که اتحاد و ائتلاف آنها در دور دوم نیز، نتوانست سد دوم‌خرداد را احیا کند و مانع از سیلاب سوم‌تیر شود.

اکنون ۱۹ سال از سوم‌تیر ۱۳۸۴ می‌گذرد. پنج روز دیگر، ایران با یک انتخابات ریاست‌جمهوری دیگر مواجه است. در این ۱۹ سال، قرار بود ۱۹ گام از ۲۰ گام سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ برداشته شود و کشور در آستانه تبدیل به قدرت اول منطقه در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار گیرد. اما نه‌فقط رویای چشم‌انداز محقق نشد، بلکه دو دهه است که ایران زیر سایه سنگین پوپولیسم سوم‌تیر و در پی آن، تهدیدها و تحریم‌های بین‌المللی ناشی از آن انتخاب، روزگار می‌گذراند. حتی موج سبز ۱۳۸۸ و پیروزی و بازگشت میانه‌روها در ۱۳۹۲ و دستیابی به توافق هسته‌ای در ۱۳۹۴ هم نتوانست آب رفته را به جوی برگرداند. اگر سوم‌تیر ۱۳۸۴ به انتخاب «معجزه هزاره ایرانی» انجامید، ۸ نوامبر ۲۰۱۶ با انتخاب «معجزه هزاره جهانی» همراه بود. دونالد ترامپ با شعارها و الگوهایی بسیار شبیه محمود احمدی‌نژاد در آمریکا به قدرت رسید و همچون او، به دوقطبی‌سازی، مواجهه با نخبگان، کنار زدن لیبرال‌ها و میانه‌روها و راه انداختن موج پوپولیسم اجتماعی و عظمت‌گرایی ناسیونالیستی روی آورد که در این میان، نصیب ایران و ایرانیان، خروج آمریکا از برجام و اجرای سیاست فشار حداکثری بود. ایران امروز از پس تجربه احمدی‌نژاد و ترامپ، زخم‌هایی مهلک بر تن دارد؛ اقتصادی با تورم ۴۰ درصدی، جامعه‌ای چندپاره، کاهش امید و نشاط اجتماعی، موج مهاجرت و فرار از کشور، رشد آسیب‌هایی چون خودکشی، افسردگی، طلاق و مهمتر از همه، پایین آمدن شدید نرخ فرزندآوری پیامدهای آشکار و عینی این عقبگرد ۱۹ ساله در مسیر توسعه و تحریم و انزوای جهانی است. این وضعیت، خروجی تصمیم و رای سوم‌تیر است که چه موافقان و چه مخالفان فرد پیروز آن روز، در آن سهیم و مؤثر و مسئول بوده‌اند. چه مشارکت‌جویانی همچون طیف‌های مختلف جریان اصلاحات که به‌زعم خود در پی انتخاب «اصلح» و بهترین گزینه ممکن (انتخاب میان خوب و خوب‌تر و خوب‌ترین) بودند و چه طیف تحریمی‌ها و مشارکت‌گریزان که به‌زعم خود، خواستار عبور از کلیت وضع موجود و رفتن به سمت ایده‌آل موعود بودند؛ در نهایت و در عمل، خروجی بهتری نداشتند و دستاوردی نیافتند، جز انتخاب بدترین و دورترین گزینه ممکن. گزینه‌ای که هرچه دوران توسعه اقتصادی هاشمی و توسعه سیاسی خاتمی در جامعه ایران کاشته بود، چون سیلی با خود برد و زمینی سترون و چشم‌اندازی تیره پیش روی چند نسل نهاد.

۱۹ سال پس از سوم‌تیر ۱۳۸۴ متولدان آن سال، فرزندان نسل ما، خود به سن رای دادن رسیده‌اند و می‌توانند درباره آینده خود، تصمیم بگیرند و انتخاب کنند. نمی‌دانم این نسل تاچه‌حد به این مسئله حساس است. شاید در جهان ذهنی آنان، کلیت سیاست، دولت و به‌تبع آن انتخابات فاقد معنا و اهمیتی باشد که برای نسل ما داشت. برای آنان، تحولی در شبکه‌های اجتماعی یا برآمدن یک پلتفرم یا رمزارز و حتی یک بازی آنلاین، شاید بااهمیت‌تر باشد تا انتخابات. همچنان که حتی در نسل ما، گروهی بودند که می‌خواستند با امضای یک تومار اینترنتی، مشروعیت و اعتبار نظم سیاسی را به چالش بکشند و بر طبل «کلیک، کلیک/ بنگ، بنگ» بکوبند. آن نسل که در سیاست پرورده بود، چنان به توهم قدرت مجازی و ابزارهای فناوری افتاد؛ طبعاً، نسل کنونی که از کودکی پای پلی‌استیشن و ایکس‌باکس بزرگ شده و هر لحظه از عینک گوشی همراه خود به جهان می‌نگرد، تصوری بزرگ‌نمایی‌شده‌تر از نسبت قدرت مجازی و قدرت واقعی دارد. چنان که در ۱۴۰۱ می‌اندیشیدند نسل z می‌تواند برآشوبد و همه مناسبات را به هم ریزد. کاری که نشدنی بود و نشد. حال، این نسل میراث‌دار شکست تنها تجربه سیاسی جدی خود است که از مسیر خیابان گذشت. برخلاف نسل ما که تجربه سیاست را با شادی و شکوه پیروزی دوم‌خرداد آغاز کرد. شاید اگر در این چند روز، پدران با پسران بنشینند و از دوم‌خرداد و سوم‌تیر با آنان بگویند؛ می‌توان راهی یافت و روزنی ساخت برای دوم‌خردادی دیگر و سدی بست برابر سوم‌تیری دیگر. بخش مهمی از فرجام هشتم‌تیر، از این گفت‌وگوی نسل‌ها می‌گذرد...

مقامات

انتقاد رهبری از طولانی‌شدن مدت بازداشت‌های موقت

عکس: Khamenei.ir

مقام معظم رهبری دیروز در دیدار مسئولان قوه قضائیه، «حل‌وفصل مسائل و اختلافات مردم براساس عدالت» و «جلوگیری از عبور از خط قرمز قانون» را از مسئولیت‌های اصلی دستگاه قضا برشمردند و افزودند: «مهمترین وظیفه دستگاه قضایی اجرای شجاعانه و بدون ملاحظه عدالت است». آیت‌الله خامنه‌ای در ابتدای این دیدار با گرامیداشت یاد شهدای دستگاه قضا از جمله شهید بهشتی و همچنین شهید رئیسی که سابقه برجسته‌ای در قوه قضائیه داشته است، از زحمات رئیس، مسئولان، قضات و کارکنان شریف این قوه صمیمانه تشکر کردند. رهبری با تاکید بر اینکه «در قرآن و سایر منابع اسلامی بر کمتر مسئله‌ای مانند عدالت تکیه شده است»، شجاعت را «لازمه اجرای عدالت» دانستند و گفتند: «به فرموده امام سجاد(ع)، قوه قضائیه باید به‌گونه‌ای عمل کند که دشمنان خود را از ظلم و جور مصون بدانند و دوستان نزدیک از جانب‌داری غیرعادلانه مأیوس باشند؛ که اگر اینگونه شود، مسئله بسیار مهم امنیت روحی و روانی مردم تأمین خواهد شد». آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به لزوم برنامه‌محوری قوه قضائیه و اسناد خیلی خوب تحول در این قوه، افزودند: «باید این اسناد را به شکلی اجرا کرد که اثر محسوسی در شاخص‌های مهم قضایی بگذارد». ایشان «کم شدن زمان رسیدگی به پرونده‌ها، استحکام

گزارش یک

پزشکیان: مردم تعیین می‌کنند

گروه خبر: در آغاز هفته منتهی به انتخابات ریاست‌جمهوری، برای نامزد اصلاح‌طلبان شلوغ و پرکار بود. مسعود پزشکیان صبح شنبه در سنندج حاضر شد، عصر به شیراز رفت و شب را نیز در اهواز بود. این نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری در سنندج و شیراز بر مزار شهدا حاضر شد و به‌خصوص حضور او بر سر مزار کشته‌شدگان هواپیمای اوکراینی و شهدای حمله تروریستی شاهچراغ مورد توجه قرار گرفت. سفرهای پزشکیان در حالی ادامه دارد که محمدجواد ظریف به‌عنوان شاخص‌ترین حامی او نیز در استان‌های مختلف به سخنرانی و جلب حمایت مردم از تنها نامزد اصلاح‌طلب حاضر در این انتخابات می‌پردازد.

ایران برای همه ایرانیان

مسعود پزشکیان از پدری اهل آذربایجان و مادری کُردزبان به دنیا آمده است. احتمالاً بزرگ شدن در دامن چنین مادری دلیل دانستن زبان کُردی از سوی پزشکیان باشد. او قصد خود از سفر به سنندج را دیدار با مردم ایران‌دوست، وفادار و قهرمان کردستان اعلام کرد. این نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری هنگامی که در فرودگاه سنندج مورد استقبال قرار گرفت، به خواست یک خبرنگار، پاسخ او را به زبان کُردی داد. پزشکیان گفت: «در خدمت مردم کردستان هستم و انشاالله اگر موفق شوم، مشکلاتی که اکنون در کردستان و مناطق محروم هست را حل وفصل می‌کنم.» پزشکیان در پاسخ به سوال دیگری مبنی بر اینکه کردها و اهل سنت چه جایگاهی در کابینه شما خواهند داشت؟ گفت: «کرد و عرب و همه کسانی که در این کشور زندگی می‌کنند براساس شایستگی باید جایگاه خود را داشته باشند. کشور را مردم ایران و شایستگان باید درست کنند نه‌فقط یک گروه و یک جناح و یک دسته. اولویت من از بین بردن بی‌عدالتی و تبعیض در جامعه چه از نظر جنسیتی، اشتغال، صنعت و.. است، این وضعیت اگر از بین برود می‌توانیم رفاه ملی ایجاد کنیم و ایران و عزت ایران را به جایی برسانیم که به جای اینکه جوانان ایران آرزو کنند به کشورهای دیگر بروند کشوری بسازیم که دیگران آرزو کنند اینجا بیایند.» خبرنگار دیگری از پزشکیان پرسید که آیا در رقابت می‌ماند یا کنار می‌رود؟ این نامزد انتخابات گفت: «مگر قرار است نمانم؟ ما تا آخرش هستیم از بقیه بپرسید هستند یا نه.»

سخنرانی در جمع مردم سنندج

مسعود پزشکیان برای سخنرانی در جمع مردم مرکز استان کردستان، به پارک سپیدار سنندج رفت. به گزارش ایرنا، پزشکیان با اشاره به اینکه شرم‌آور است برای جوانان ما که دارای مدارک لیسانس، فوق‌لیسانس و یا حتی دکتری هستند، برای یک لقمه نان کولبری کنند، اظهار داشت: «این را با یک معادل یا وضعیت علمی بین دو کشور به یک داد و ستد سودمند تبدیل و مرزی درست کنیم که داد و ستد شکل بگیرد نه کولبری.» وی افزود: «اجازه نمی‌دهیم کسانی که معلوم نیست نفت را چگونه می‌فروشند و پول آن را کجا خرج می‌کنند، به فعالیت‌شان ادامه دهند. وقتی شفاف عمل نمی‌کنیم عده‌ای آقازاده تیلیاردر می‌شوند، چراکه هوا را آلوده می‌بینند و در این هوا کسب درآمد می‌کنند. با فساد، رانت، بی‌عدالتی و تبعیض مقابله می‌کنیم و اجازه نمی‌هیم عده‌ای با عنوان کاسبان تحریم به راحتی به کارشان ادامه دهند. ما این هوای آلوده را پاک می‌کنیم و کاری می‌کنیم همه مردم به طور عادلانه از منابع و امکانات

گزارش دو

۱۰ سال شما حرف زدید، ۱۰ دقیقه من

حضور و سخنرانی محمدجواد ظریف در همایش انتخاباتی پزشکیان در کاشان

گروه خبر: جمعه‌شب کاشان میزبان محمدجواد ظریف، مشاور مسعود پزشکیان بود. او در حسینیه چهل‌تن کاشان به ایراد سخن پرداخت. با این حال در میانه صحبت‌های او برخی افراد تندرو وابسته به برخی نامزدهای ریاست‌جمهوری سعی در به‌هم ریختن مراسم سخنرانی او داشتند و با فریاد دروغگو، دروغگو، هجمه‌هایی را به او وارد کردند. ظریف هم سعی کرد پاسخی مناسب به آنها بدهد. ظریف البته بار دیگر در سخنرانی خود در گرگان هم مورد هجمه گروه‌های فشار قرار گرفت و این افراد سعی در ایجاد تنش در میانه صحبت‌های او داشتند. در ادامه بخش‌هایی از سخنرانی وزیر سابق امور خارجه را می‌خوانید. ظریف در این سخنرانی ضمن گرامیداشت یاد شهدای سانحه ۳۰ اردیبهشت گفت: «امروز ما در آستانه یک تصمیم تاریخی قرار گرفته‌ایم؛ تصمیمی که مردم ما آینده خود را تعیین خواهند کرد. آنها تصمیم می‌گیرند که چه آینده‌ای برای خود و فرزندان‌شان بنا کنند...» او با تاکید بر اینکه عده‌ای نمی‌خواهند شما تصمیم بگیرید، ادامه داد: «گروهی که از خون و مال این مردم ارتزاق می‌کنند، حقوق‌بگیر خارجی‌ها هستند و در خارج امید براندازی دارند، نمی‌خواهند شما تصمیم بگیرید. گروه دیگری هم هستند که از غیبت شما پای صندوق رای برای حاکمیت اقلیتی پرگو و پرسروصدا بر اکثریت مردم جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌کنند. این گروه هم نمی‌خواهند شما پای صندوق رای بروید، آنها هم دوست دارند شما را ناامید کنند و به شما بگویند رئیس‌جمهور نقشی ندارد.»

فرق می‌کند خاتمی در پاستور باشد یا احمدی‌نژاد

وزیر سابق امور خارجه یادآوری کرد که با چندین رئیس‌جمهور از نزدیک همکاری داشته است: «به شما می‌گویم که رئیس‌جمهور تاثیرگذار است. فرق می‌کند که خاتمی در پاستور باشد یا احمدی‌نژاد. گروهی می‌خواهند شما فراموش کنید که این آقایان میراث‌دار احمدی‌نژاد هستند. می‌خواهند فراموش کنید که تحریم‌ها را اینها بر سر شما آورده‌اند و این وضعیت کشور حاصل هشت سال دولت روحانی نیست، بلکه حاصل هشت سال نکبت احمدی‌نژاد است. احمدی‌نژادی که آنها در همه مراحل از او حمایت کردند.» او این را هم گفت که شما می‌گویید رای به پزشکیان یعنی رای به روحانی اما من به شما می‌گویم رای به جلیلی، قالیباف، زاکانی و قاضی‌زاده‌هاشمی یعنی رای به احمدی‌نژاد: «وقتی شهید رئیسی می‌خواست برجام را زنده کند، چه کسانی در برابر او ایستادند. جز این آقایان که امروز میراث‌دار شهید رئیسی شده‌اند؟ فراموش نکنید زمانی که شهید امیرعبداللهیان را به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس خواستند، از او بازخواست کردند که چرا می‌خواهی برجام را احیا کنی؟» ظریف خطاب به افراد وابسته به جریان تندرو که سعی در به‌هم ریختن فضای سخنرانی داشتند، گفت: «مردم نیامده‌اند صدای شما را بشنوند. ده سال است که هر نادرست و بی‌ادبی، هر دروغ و تحریفی را پخش کرده‌اید. مرگ بر منافق. شما بگویید چه کسی تحریم آمریکاست؟ من تحریم آمریکا هستم یا آقای جلیلی؟ آقای قالیباف؟ چرا وقتی دولت آمریکا من را تحریم کرد، به جای فحش به آمریکا به من فحش دادید؟ ۱۰ سال تمام دستگاه‌های تبلیغاتی کشور، در اختیار آقایان بود. ۱۰ دقیقه از صداوسیما صحبت کردم انگار آب به لانه مورچگان ریخته‌اند. الان هم یک اقلیت کوچک، نمی‌خواهند بگذارند، شما سخن حق را بشنوید.»

دروغگویان از آگاهی مردم می‌ترسند

بعد از آرام شدن فضای مسجد، ظریف با اشاره به موضوع تحریم‌ها و برجام ادامه داد: «همین اقلیت برخلاف همه اصول انتخاباتی به صداوسیما هجوم آورده‌اند و می‌خواهند با دروغ و فریبکاری مردم را بفریبند. اما مردم ما بالغ و آگاهند و این‌بار با خانه نشستن به این افراد اجازه نخواهند داد که احساس در اکثریت بودن، کنند. او خطاب به برهم‌زنندگان فضای سالن سخنرانی به آیه قرآنی «يَجْعَلُونَ أَصَٰبِعَهُمْ فِيٓ ءَاذَانِهِم مِّنَ ٱلصَّوَٰعِقِ حَذَرَ ٱلْمَوْتِ» به این معنا که «می‌ترسید از طوفان آگاهی مردم»، اشاره کرد: «این را قرآن خطاب به شما می‌گوید، باید هم از آگاهی مردم بترسید. دروغگویان از آگاهی مردم می‌ترسند. با نعره کشیدن و دروغگو گفتن مشکلی حل نخواهد شد. من می‌خواهم شما حقیقت را بشنوید دوستان این را نمی‌خواهند. با غوغاسالاری و دروغگویی و اینکه فریاد بزنید دروغگو، کسی دروغگو نمی‌شود.» وزیر امور خارجه سابق ایران اضافه کرد: «آیا می‌خواهید کشور با تحریم اداره و سفره شما هر روز کوچک‌تر شود؟ آیا می‌خواهید همواره با فشار زندگی کنید یا سربلند و سرافراز. اگر مقام معظم رهبری را قبول دارید، فرمودند اگر یک ساعت تحریم زودتر برداشته شود من راضی‌ترم. اگر مقام معظم رهبری را قبول دارید که ندارید. زیرا ایشان فرمودند من شهادت می‌دهم که اینها امین، صادق، شجاع و غیورند.» ظریف خطاب به افرادی که او را دروغگو خطاب می‌کردند، گفت: «دروغگو شمایید که به رهبر معظم انقلاب تهمت می‌زنید. خجالت نمی‌کشید به فردی که رهبر معظم انقلاب بارها به او گفته صادق، می‌گویید دروغگو، شرم‌تان باد. دروغ می‌گویید اگر می‌گویید طرفدار رهبری هستید. دروغ می‌گویید که طرفدار شهید رئیسی هستید. دروغ می‌گویید که طرفدار شهید امیرعبداللهیان هستید.»